

یادداشت



دکتر طیبہ محمدی کیا
استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی



ظہور چین، ایالات متحدہ و نظمِ جهانے تک قطبے

رقابت میان ایالات متحدہ و چین را می توان از چشم اندازهای گوناگون مورد تجزیہ و تحلیل قرارداد و تصویری چندوجهی از ابعاد این موقعیت پیچیده برای مخاطب ارائه نمود. رویکرد پکن در این میانه، بسیار مهم است. فہم ذہنیت و قصد پکن در رقابت با ایالات متحدہ، ما را با این پرسش روبرو می سازد کہ آیا چین می کوشد از جایگاہ یک ابرقدرت اقتصادی فراتر برود و در جایگاہ ابرقدرت سیاسی و نظامی نیز قرار گیرد؟ چین با شتاب در حال تلاش برای نزدیک شدن بہ مرکز صحنہ جهانی است. مقامات چینی تشخیص می دهند کہ باید بر موانعی در مسیر دستیابی بہ اہداف ملی کشورشان غلبہ کنند. برای انجام این کار نیز چین می کوشد یک محیط خارجی غیر خصمانہ، تمرکز بر اولویت های داخلی و گسترش نفوذ چین در خارج از کشور را بہ شکل راہبردی دنبال نماید.

Spring) 59. Leadership Monitor, No
(, 2019)

یکی از تغییرهای راهبردی ایالات متحده در قبال چین به موضوع‌گیری ترامپ در ارتباط با کووید ۱۹ بازمی‌گردد؛ او در مواجهه با خسارات انسانی و مالی ناشی از گسترش کنترل نشده کووید-۱۹، از تبلیغ شی جین پینگ به عنوان دوست خود به چین، به عنوان دشمن خود و منبع دردی که بسیاری از آمریکایی‌ها احساس می‌کردند، تغییر مکان داد. در این فضا، اعتماد لارزان میان این دو بازیگر مهم عرصه بین‌الملل فرو ریخت. پکن احتیاط را در کنش‌های سیاست جهانی کمتر کرد و سیاست‌های سخت‌گیرانه در سین کیانگ، تشدید کنترل هنگ‌کنگ و انتقال از عملکرد دموکراسی‌های غربی را در پیش گرفت. به نظر می‌رسد که توافق گسترده‌ای میان مقامات و کارشناسان در چین وجود دارد که قدرت آمریکا در سیستم بین‌المللی نسبت به چین، رو به کاهش است. آن‌ها درباره نگرانی آمریکا در مورد افول نسبی اش و تلاش‌های انعکاسی آن در راستای تضعیف ظهور چین متفق‌اند.

طی چند سال گذشته، ما شاهد تنش در کنار رکود در روابط میان چین و آمریکا بوده‌ایم. شگفت این‌که این وضعیت را می‌توان هم در دولت ترامپ و هم در دولت بایدن سراغ گرفت. با اینکه فضای سیاسی ایالات متحده به شدت قطبی شده اما این کشور، هنوز هم مهم‌ترین قدرت جهانی و خطرناک‌ترین رقیب چین است و رقابت میان چین و ایالات متحده را باید رقابتی درازمدت در نظر گرفت. در عین حال، ذیل سناریویی دیگر چین می‌تواند تنها با اتکا به بازار داخلی از تنش و خصومت در عرصه سیاست جهانی پرهیز کند. [۸] در ارتباط با حضور در عرصه سیاست جهانی نیز تحولات ژرف دیده نشده در سده گذشته

چین در دهه‌های اخیر از تحولات مائو تا اصلاحات و گشایش دنگ، از تراژدی تیان‌آن‌من تا رشد اقتصادی دو رقمی، از سیاست خارجی کم‌رنگ تا قاطعیت در صحنه جهانی، مجموعه‌ای از تحولات را از سر گذرانده است. این تغییرات تا حد زیادی توسط یک تعامل پویا میان اهداف استراتژیک چین در محیط خارجی و رویکرد آن نسبت به نظم بین‌الملل، انجام پذیرفته است. در ادامه چندو چون رویارویی چین با نظم بین‌الملل تک‌قطبی و ایالات متحده، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

- رویکرد چین در ارتباط با نظم بین‌الملل

با توجه به گسترش دامنه اقتصادی و وزن استراتژیک رو به رشد چین، کنش‌های چین اکنون به شکل مستقیم بر سراسر جهان تأثیر می‌گذارد. در بسیاری از بحث‌های اخیر آمریکا در مورد جاه‌طلبی‌های چین، گرما بیشتر از نور بوده است. طرح‌های استراتژیک چین، بیانه‌ها و گزارش‌های در دسترس، نشان می‌دهد که جاه‌طلبی چین و رویکرد این کشور به محیط بین‌المللی در حال تغییر آن، قابل تأیید است. سیاست خارجی چین در دو سال گذشته، واکنش چین به استراتژی آشکارا خصمانه پرزیدنت ترامپ در برابر چین، بسیار محتاطانه‌تر و حتی گاهی مصالحه‌آمیز بود. [۱] چین تعامل قابل توجهی با طیف گسترده‌ای از آمریکایی‌ها حفظ و بیانه‌های عمومی بسیار دقیقی ارائه کرد و از راه‌حل‌های مذاکره حمایت نمود. کالیبراسیون و تناسب بیشتر از تاکتیک‌های بد اخلاقی، انزوا و عقب‌نشینی، کنش و بازی چین را هدایت می‌کرد. (Evan Medeiros, "China Reacts: Assessing Beijing's Response to Trump's New China Strategy," China

Advancing BRICS Cooperation through Concerted Efforts,” Speech, Beijing, 17 BRICS Summit, November 2020). □ منافع اصلی را باید کلیدواژه سیاست خارجی چین دانست. رویکرد این کشور به منافع ملی و توسعه پایدار رانیز باید محور اصلی سیاست‌گذاری خارجی چین دانست (See, for example, Wang Yi, “Reorient and Steer Clear of Disruptions for a Smooth Sailing of China-U.S. Relations,” Speech, Beijing, The Asia Society, 18 December, 2020). صداهایی از چین در مسیر جاه‌طلبی‌های جهانی شنیده می‌شود؛ که این صداها، ایالات متحده را نگران‌تر می‌سازد. اگرچه این هدف بلندمدت، نیاز به تمهیداتی گسترده دارد و برای دستیابی به آن در وهله نخست، باید به موانع کوتاه‌مدت غلبه یافت اما ایالات متحده را نمی‌توان مانعی کوتاه‌مدت دانست.

اهداف استراتژیک چین برای دستیابی به هدف‌های جهانی - راهبردهای چین برای سده خط استراتژیک را باید راهبردهای چین برای رسیدن به هدف‌های مختلف این کشور در عرصه جهانی دانست:

الف- محیط خارجی غیر خصمانه را حفظ کنید راهبرد میان‌مدت پکن، کاهش کنترل شده تنش‌ها با ایالات متحده، تقویت روابط با همسایگان و تعمیق روابط با روسیه است. گذر از استراتژی محاصره چین-واشنگتن را باید خمیرمایه اصلی راهبرد میان‌مدت چین دانست. شاهد این مدعا صحبت‌های وانگ یی، مشاور دولتی و وزیر امور خارجه است که «همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری برد-برد» را با ایالات متحده ترویج می‌کند. (Wang Yi, “Reorient and Steer Clear of Disruptions

ارزیابی چین از سیالیت در سیستم بین‌المللی است؛ پارادوکسی که خطرات و فرصت‌هایی را برای چین به همراه دارد. این وضعیت را می‌توان با توجه به مواردی همچون رکود در اقتصاد جهانی، تأثیر منفی بیماری‌های همه‌گیر بر تجارت بین‌المللی، افت سرمایه‌گذاری، افزایش مصرف و شکاف‌های اجتماعی، تشدید تقابل‌های سیاسی و رشد خطرات امنیتی بین‌المللی یک روی سکه بوده و روی دیگر سکه، سرعت اصلاح نظم بین‌المللی است. با وجود دوگانگی در عرصه بین‌المللی، به نظر می‌رسد که دیدگاه چین به عنوان یک بازیگر محوری‌تر در نظام بین‌المللی در داخل چین، مورد توجه قرار گرفته است. دست‌کم در ظاهر، رهبران چین در ارزیابی خود از روندهای جهانی - که به نفع چین عمل می‌کند- ابراز خوشحالی کرده‌اند. (William Zheng, “The Time for China’s Rise Has Come, Security Chief Tells Law Enforcers,” South China Morning Post, 15 January, 2021)

اهداف استراتژیک چین

سخن از هدف‌های استراتژیک میان‌مدت و بلندمدت، بحثی مهم در گفتمان غربی است. رویکردهای این گفتمان بستگی به این دارد که چین را بر قدرت بدخواه بدانیم یا خیرخواه؛ اما از سوی دیگر، چین خود را در وضعیت پیش‌رونده می‌بیند که نه تنها قدرت اصلی آسیا است، بلکه در صحنه جهانی در حال حرکت به جلو است. این بازیگر قدرتمندی تواند الگویی دگرگون از قوانین، هنجارها و نهادها ارائه نماید و در این راستا می‌کوشد. (See, for example, Xi Jinping, “Remarks at the 12th BRICS Summit: “Remarks at the in Solidarity and 19-Fighting COVID

اقتصادی و تقویت خودکفایی تشدید کرده‌اند. آن‌ها همچنین سیاست‌هایی را دنبال کرده‌اند که تأثیر آن در تشویق سایر کشورها به وابستگی بیشتر به چین برای توسعه اقتصادی خود بوده است. این پویایی، همراه با قراردادهای تجاری و سرمایه‌گذاری اخیراً تکمیل شده با آسه آن و اتحادیه اروپا، به ترتیب الگوهای تجاری چین را تغییر داده است. در سال ۲۰۲۰، بلوک آسه آن شریک تجاری شماره ۱ چین شد و اتحادیه اروپا به رتبه ۲ رفت و ایالات متحده، به رتبه سوم سقوط کرد. و-دامنه نفوذ چین در خارج از کشور را گسترش دهید در سال‌های اخیر، مقامات چینی در تلاش برای گسترش دامنه دسترسی خود به سایر کشورها، فعال‌تر شده‌اند. نهادهای چینی به‌عنوان بخشی از دستور دولت مرکزی برای تقویت قدرت گفتمانی چین، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در پلتفرم‌های رسانه‌ای خارج از کشور انجام داده‌اند. (Amy Gunia, "China's Media Interference Is Going Global, Report Says," Time, March 25, 2019)

-نتیجه‌گیری

جاه‌طلبی‌ها و تلاش‌های مصمم چین برای تبدیل شدن به یک رهبر جهانی در شمار فزاینده‌ای از زمینه‌های فناوری پیشرفته دیده می‌شود. در پاسخ، لندن پیشنهاد ایجاد یک D-۱۰ از قدرت‌های پیشرو (G-۷+ استرالیا، کره جنوبی، هند) را برای تجمیع منابع و همسو کردن سیاست‌ها برای تسریع توسعه فناوری‌های جدید در جوامع دموکراتیک ارائه کرده است. به همین ترتیب، هر چه دیپلماسی ملی‌گرایانه چین پررنگ‌تر می‌شود، بسیاری از کشورهای غربی نسبت به خطوط روند سیاست داخلی و خارجی

ب- طرح درازمدت: استراتژی بزرگ چین برای جابجایی نظم آمریکا
ناهمخوانی نظم جهانی تک‌قطبی با منافع چین به‌مثابه بازیگری جهانی و قدرتمند، روزبه‌روز بیشتر نمایان می‌شود. در این باره و رویکرد تقابلی چین در برابر نظم تک‌قطبی آمریکامحور، رئیس‌جمهور چین، شی جین‌پینگ در هشتاد و ششمین مجمع عمومی INTERPOL در مرکز همایش ملی پکن در ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۷ در پکن چین سخنرانی کرد.

ج- چین جهانی: سیاست داخلی و سیاست خارجی
چین جهانی را می‌توان خواسته‌ای عمومی دانست که در افکار عمومی چین، در حال رشد است. این امر نیز خود را در واکنش اعضای گروه نظامی پس از جلسه پایانی نوزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین در تالار بزرگ خلق، در پکن چین، ۲۴ اکتبر ۲۰۱۷ نیز نشان داده است.

د- محافظت از حزب: نفوذ فزاینده چین در جهان در حال توسعه

تکمیل مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای (RCEP) توسط چین، گام مهمی در تلاش‌های این کشور برای تقویت روابط با همسایگانش بود. چین در قلب بزرگ‌ترین گروه تجاری جهان، در پویاترین منطقه اقتصاد جهانی قرار دارد. این امر مهم تضمین می‌کند که چین در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای مرکزی، باقی خواهد ماند.

ه- کاهش وابستگی به آمریکا و افزایش وابستگی جهان به چین

رهبران چینی در سال‌های اخیر در مواجهه با چشم‌انداز قطع یا محدود شدن دسترسی به زنجیره‌های تأمین آمریکایی، فشار خود را برای تنوع بخشیدن به روابط

چین در ۳۰ دسامبر ۲۰۲۰، بسته شدن مذاکرات بر سر توافقنامه جامع سرمایه‌گذاری چین و اتحادیه اروپا نقش داشته است. در این رقابت میان تلاش‌های واشنگتن برای تشکیل ائتلاف‌هایی برای رویارویی با چین در موضوعات خاص و استراتژی ضد بلوک پکن، ما شاهد خط و نشان کشیدن‌های چین برای ابر قدرت جهانی هستیم. (Xi Jinping, "Special Address" at the World Economic Forum Virtual Event of the Davos Agenda," Xinhua, (2021, 25 January

آن نگران‌تر می‌شوند. گسترش منافع چین در خارج از کشور، مستلزم حضور بیشتر چین است؛ در حال حاضر، همان‌طور که نیروی دریایی PLA فراتر از پیرامون خود فعال‌تر شده، سطح هماهنگی میان سایر قدرت‌ها نیز در پاسخ به آن، افزایش یافته است. این روند را می‌توان در اقیانوس هند مشاهده کرد، جایی که افزایش متناظر در فعالیت دریایی چین در کنار افزایش هماهنگی امنیتی میان قدرت‌های هم‌فکر وجود دارد. در این میان و برای نمونه، می‌توان به "Quad"، استرالیا، هند، ژاپن، ایالات متحده اشاره نمود. در مورد روسیه، چین، علاقه پایداری به تندتر کردن مسیر سعودی در روابط کلی، نشان داده است. در سال‌های اخیر، پکن و مسکو در طیف گسترده‌ای از روابط، از جمله همکاری‌های فنی و نظامی، به هم نزدیک‌تر شده‌اند. وانگ یی، وزیر امور خارجه، اکنون هر دو کشور را به عنوان «کنار هم در برابر سیاست قدرت»، حمایت از منافع اصلی یکدیگر و به عنوان «لنگر راهبردی» و «شریک جهانی» تبلیغ می‌کند. Wang Yi, "State Councilor and Foreign Minister Wang Yi Gives Interview to Xinhua News Agency and China Media Group on International Situation and Chinese", 2020 China's Diplomacy in Ministry of Foreign Affairs, January 2, 2021). همچنین، پکن اتحادیه اروپا را تشویق کرده است تا خود مختاری استراتژی یک را دنبال کند، از جمله با مقاومت در برابر درخواست‌های واشنگتن برای پیوستن بروکسل به یک جبهه ترانس‌آتلانتیک در مخالفت با چین. به نظر می‌رسد تمایل پکن برای جلوگیری از همگرایی سیاست فراآتلانتیک در مورد

